

پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سواد عاطفی، سبک‌های مقابله‌ای، کیفیت زندگی، هیجان‌خواهی با میانجی‌گری تاب‌آوری*

لیلا علاقه‌بند^۱، حسن پاشا شریفی^۲، ولی‌الله فرزاد^۳، علیرضا آقا یوسفی^۴

Predicting emotional divorce based on emotional literacy, coping styles, quality of life, resilience mediation

Leyla Alaghband¹, Hasan Pasha Sharifi², Valiollah Farzad³, Alireza Aghayousefi⁴

چکیده

زمینه: مطالعات متعددی به پیش‌بینی طلاق عاطفی و بررسی سبک‌های مقابله‌ای، کیفیت زندگی، هیجان‌خواهی و تاب‌آوری پرداخته‌اند. اما پیرامون پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سواد عاطفی، سبک‌های مقابله‌ای، کیفیت زندگی، هیجان‌خواهی با میانجی‌گری تاب‌آوری شکاف تحقیقاتی وجود دارد. **هدف:** پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سواد عاطفی، سبک‌های مقابله‌ای، کیفیت زندگی و هیجان‌خواهی با میانجی‌گری تاب‌آوری بود. **روش:** پژوهش از نوع همبستگی با رویکرد مدل ساختاری بود. جامعه آماری شامل زنان متأهل شاغل در مدارس ابتدایی دولتی شهر تهران در سال ۹۷-۹۸ بود تعداد ۲۵۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار عبارتند از: پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن (۲۰۰۸)، کیفیت زندگی واروشریون (۱۹۹۲)، سبک‌های مقابله‌ای لازاروس - فولکمن (۱۹۸۵)، هیجان‌خواهی زاگرممن (۱۹۶۴)، کارکردهای روانشناختی خانواده ایرانی کیمیایی (۱۳۸۸) و تاب‌آوری کانر و دیویدسون (۲۰۰۳). تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، تحلیل مسیر و بوت استرپینگ انجام شد. **یافته‌ها:** کیفیت زندگی و سواد عاطفی به طور مستقیم و منفی، سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار و هیجان‌خواهی بطور مستقیم و مثبت بر طلاق عاطفی تأثیر دارند ($p \leq 0/05$). **نتیجه‌گیری:** می‌توان طلاق عاطفی را بر اساس تاب‌آوری پیش‌بینی کرد. **واژه کلیدیها:** طلاق عاطفی، سواد عاطفی، سبک‌های مقابله‌ای، کیفیت زندگی، هیجان‌خواهی، تاب‌آوری

Background: Numerous studies have predicted emotional divorce and the study of coping styles, quality of life, excitement, and resilience. But there is research on predicting emotional divorce based on emotional literacy, coping styles, quality of life, and excitement through the mediation of resilience. **Aims:** Predicting emotional divorce was based on emotional literacy, coping styles, quality of life, and emotion-seeking mediation. **Method:** The study was correlational with structural model approach. The statistical population consisted of married women working in public elementary schools in Tehran in 1997-98. 250 persons were selected by multistage random sampling method. The instruments are: Gutman's Emotional Divorce Questionnaire (2008), Varoshriion's Quality of Life (1992), Lazarus-Folkman Coping Styles (1985), Zuckerman's Emotion-seeking (1964), Psychological Functions of the Iranian Chemical Family (2009), and Conner and Davidson Resilience. (2003). Data were analyzed using Pearson correlation test, path analysis, and bootstrapping. **Results:** Quality of life and emotional literacy directly and negatively, emotional coping style and emotion-seeking directly and positively influenced emotional divorce ($p \geq 0/05$). **Conclusions:** Emotional divorce can be predicted based on resiliency. **Key Words:** Emotional divorce, emotional literacy, coping styles, quality of life, sensation seeking, resilience

Corresponding Author: Hpsrs@yahoo.com

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری نویسنده اول می‌باشد.

^۱ دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

^۱ Ph.D. of Counseling, Department of Counseling, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

^۲ استاد، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author)

^۳ استاد، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

^۳ Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

^۴ دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، واحد قم، قم، ایران و استاد مدعو گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

^۴ Associate Professor, Department of Psychology, Payame Noor University, Qom Branch, Qom, Iran and Visiting Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

پذیرش نهایی: ۹۸/۱۲/۰۹

دریافت: ۹۸/۱۰/۱۹

مقدمه

افراد ازدواج را به عنوان صمیمانه ترین رابطه بزرگسالی محسوب می کنند، رابطه ای که برای آنها منبع اصلی عاطفه و حمایت است (مونسی و همکاران، ۲۰۱۳). نتایج پژوهش ها نشان می دهد که زن و مرد با تمام تلاشی که در جهت انجام دقیق وظایف خود دارند، به مرور زمان عشق و علاقه بین آنها کم رنگ و کم رنگ تر شده و گاهی به طور کامل محو می شود (کراور و هلیول، ۲۰۱۹) و زوجین بدون هیچ گونه احساس و عاطفه ای نسبت به هم، به طور کامل جدای از هم به زندگی خود ادامه می دهند (آتان و بولوس، ۲۰۱۹). به عبارتی روابط عاطفی در آغاز زندگی اغلب با شور و حرارت خاصی وجود دارد، اما پس از مدتی به علت ناآگاهی و غفلت یکی از طرفین یا هر دو، عواطف فروکش می کند و به تدریج که این وضعیت تشدید می شود، زندگی رو به سردی می گراید و گاهی این حالت تا جایی ادامه می یابد که زوجین زیر یک سقف فقط در کنار هم هستند، اما با هم زندگی نمی کنند، این وضعیت را طلاق عاطفی می نامند در طلاق عاطفی زندگی زناشویی توخالی شده و فاقد عشق، مصاحبت و دوستی است (عظیمی رستا و عابدزاده نوبریان، ۱۳۹۲). در طلاق رسمی، زن و مرد با مراجعه به دادگاه به طور قانونی از یکدیگر جدا شده و هیچ تعهدی نسبت به هم ندارند. اما در طلاق عاطفی، به قول اکثر تعاریف، زن و مرد زیر یک سقف زندگی می کنند، ولی هیچ رابطه احساسی میان زوجین یا وجود ندارد و یا بسیار کم است (فداکار، ۱۳۹۵).

با توجه اینکه بیشتر ازدواج ها شروع خوبی دارند اما رفته رفته زوجین از زندگی و رابطه خود احساس رضایت ندارند که به نظر می رسد که شادی، ثبات و رضایت از ازدواج بستگی به خود زوج دارد (اسری و اولادون، ۲۰۱۴). ازدواج موضوعی نیست که به دو فرد ارتباطی داشته باشد بلکه به عنوان یک رخداد، به خانواده و اجتماع نیز ارتباط پیدا می کند. عناصر تشکیل دهنده ی یک ازدواج موفق، عشق، ارتباط خوب، تعهد، تفاهم، نگرانی، مراقبت از یکدیگر و با هم بودن است. برقراری ارتباط صمیمی، انتقال احساسات و افکار و بیان نیازها، راه حل مشکلات در روابط زناشویی است (ماناپ و همکاران، ۲۰۱۶). خانواده، شالوده اساسی ساختار اجتماعی جوامع است که با ازدواج و آغاز زندگی زناشویی شکل می گیرد (نوابی نژاد، ۱۳۹۵) به دلیل اینکه رابطه زناشویی، اساس و پایه یک ارتباط خانوادگی و پرورش فرزندان نسل بعدی است، به عنوان مهمترین رابطه بین دو

انسان از آن یاد می شود. از این رو استحکام و بهبود آن از اهمیت زیادی برخوردار است. با این وجود، گاهی زوجین در روابط زناشویی با مشکلاتی روبرو می شوند که آنها را دچار تعارض می کند. بررسی خود فرد از رابطه زناشویی و اینکه آیا نیازها، خواسته ها و آرزوهای شخصی و زوجی فرد برآورده شده است، میزان رضایت و یا نارضایتی از رابطه زناشویی را تعیین می کند (ماتسون، روگه، جانسون، دیویسدون و فینچام، ۲۰۱۵).

بررسی آمار طلاق در سازمان ثبت احوال کشور از سال ۱۳۸۵ تاکنون نشان دهنده افزایش سالانه میزان طلاق در کشور است. به طوری که از تعداد ۹۴۰۳۹ طلاق در سال (۱۳۸۵) به ۱۷۶۹۲۲ طلاق در سال (۱۳۹۶) به ازای ۶۰۵۴۰۴ مورد ازدواج افزایش پیدا کرده است. همچنین نسبت ازدواج به طلاق نیز هر ساله کاهش می یابد. به طوریکه از ۹/۸ ازدواج ثبت شده در سال (۱۳۸۳) یک طلاق وجود داشته است، در حالی که در سال (۱۳۹۶) به ازای ۳/۴ ازدواج یک طلاق وجود دارد. این آمارها نشان دهنده لزوم توجه به این موضوع حیاتی است. علائم روانی - عاطفی طلاق؛ مانند ناکامی، ماتمزدگی، نگرانی، وحشت، اضطراب، ترس، خشم و... طرفین را در وضعیت آسیب پذیری قرار می دهد. پژوهش های متعددی نشان دهنده آثار و عوارض منفی جسمی و روانی، اخلاقی و اجتماعی طلاق و جدایی اثرات منفی زیادی چه از لحاظ روانی و چه از لحاظ جسمانی بر زوجین به جا می گذارد (کانتر، پرولکس و مونک، ۲۰۱۹). این اثرات منفی شامل افزایش خطر بیماری های روانی، افزایش بیماری های جسمانی، خودکشی، تصادفات منجر به مرگ، خشونت قتل می باشد. طلاق یک رویداد نسبتاً شایع استرس زا در زندگی است که علتی برای افزایش مرگ و میر می باشد (ماتسون و همکاران، ۲۰۱۵). اثرات طلاق بر فرزندان شامل افزایش احتمال خطر ابتلا به ناسازگاری های روانشناختی و افت عملکرد تحصیلی در مدرسه می باشد. طلاق موجب فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی شده و برای زنان نسبت به مردان اثرات منفی بیشتری دارد. همچنین علاوه بر افراد، بر پیکره جامعه هزینه های بسیاری را تحمیل می کند. آمار رسمی طلاق به طور کامل نشان دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آماری بزرگتر به طلاق های عاطفی اختصاص دارد؛ یعنی به زندگی های خاموش و خانواده های توخالی که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می کنند ولی تقاضای طلاق قانونی

از دیگر عواملی که ممکن است زمینه‌ساز ایجاد طلاق عاطفی شود ضعف سواد عاطفی اعضای خانواده است (ویلدینگ و کلاریج، ۲۰۱۶)، عنصر سواد عاطفی عامل مهمی در ایجاد یا عدم ایجاد طلاق عاطفی است، زیرا سواد عاطفی می‌تواند فاصله عاطفی بین زوجین را کم کند. مطالعه‌ای نشان می‌دهد که آگاهی از هیجان‌ها و چگونگی اثر گذاری این آگاهی در روابط بین فردی در زندگی زناشویی مؤثر است (لوسیان، ۲۰۱۶). سواد عاطفی به توانایی‌ای اطلاق می‌شود که ما به وسیله آن توان اندیشیدن، تشخیص دادن، اداره کردن، دریافت و انتقال عواطف خود به طور مناسب را داریم و می‌توانیم به درک و فهم این مطلب برسیم که این عوامل چگونه رفتارها و مناسبات ما را شکل داده و بر اندیشه‌ها و باورهای ما تأثیر می‌گذارند (باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۸۹).

یکی از عوامل درونی که از سازه‌های روانشناسی مثبت‌نگر به حساب می‌آید، تاب‌آوری روانشناختی است که در دهه‌های گذشته نقش آن در رشد و سلامت اثبات شده است و اخیراً در حوزه خانواده جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است (میرو و نول، ۲۰۱۹). در تعریف تاب‌آوری می‌گویند: تاب‌آوری ویژگی شخصیتی است که به مطابقت فرد با تغییرات و استرس‌های محیطی کمک می‌کند و معتقدند افراد با ویژگی تاب‌آوری روانشناختی می‌توانند در شرایط زندگی، روش‌های آسان‌تری را انتخاب کنند، زیرا آنها مهارت‌های حل مسئله را رشد می‌دهند و مقاومت بیشتری در برابر شرایط استرس‌زا از خود نشان می‌دهند. نتایج تحقیقات بیانگر این است که تاب‌آوری سازه‌ای است که با بسیاری از جنبه‌های مختلف از جمله ازدواج و خانواده درمانی در ارتباط است (صمدی‌فر، ۱۳۹۴). همچنین نتایج پژوهش‌ها در رابطه با ارتباط تاب‌آوری با حوزه خانواده و روابط همسران، بیانگر این است که تاب‌آوری توان پیش‌بینی رضایت زناشویی را دارد، تاب‌آوری ویژگی‌ای است که به افراد و همسران کمک می‌کند کمتر تحت تأثیر پیشامدهای ناگوار قرار بگیرند و همسرانی که از ویژگی تاب‌آوری برخوردار نیستند توانایی تعدیل شرایط ناگوار و استرس‌های ناشی از مشکلات زناشویی را ندارند، که این موجب افزایش تعارضات و نارضایتی زناشویی می‌شود (دارنهوفر، لامین، استراوس و ناوارته، ۲۰۱۶).

با توجه به مطالبی که گفته شد، همچنین با توجه به اینکه طلاق عاطفی و تعارضات، تهدیدهایی جدی برای زندگی زناشویی هستند که ثبات و کیفیت ازدواج را به چالش می‌کشند و موجب بروز

نمی‌کنند (میرزایی، ۱۳۹۳). عوامل مختلفی در خانواده می‌توانند زمینه‌ساز ایجاد طلاق عاطفی شوند، صمدی‌فر (۱۳۹۴) در پژوهشی که در زوجین دارای طلاق عاطفی در شهر اردبیل انجام داد به این نتیجه رسید که کیفیت زندگی از جمله متغیرهای مرتبط به طلاق عاطفی زوجین می‌باشد.

سبک‌های دفاعی نوعی فرآیند ذهنی یا سبک‌های مقابله‌ای هستند که واکنش‌های روانشناختی خودکار را در فرد ایجاد و از شخص در برابر اضطراب حمایت می‌کنند. مکانیسم‌های دفاعی یک راه‌حل خاص برای حل مشکلات نیستند ولی می‌توان از آنها برای رفع تعارض روانی و کاهش احساسات ناخوشایند، اضطراب، ترس و تنش به کار برد. نتایج تحقیقات بیانگر این است که سبک‌های دفاعی به طور منطقی این ظرفیت را دارند که در مداخلات تشخیصی و درمانی به ویژه در حوزه خانواده و زناشویی مورد استفاده متخصصان واقع شوند (لوکورس، لیستان، رید، هارتمن، ۲۰۱۹). با توجه به اینکه همسران از مکانیسم‌های دفاعی برای کاهش اضطراب ناشی از رخدادها و تعارضات زناشویی استفاده می‌کنند، در صورتی که از مکانیسم‌های دفاعی به صورت مناسب بهره‌گیرند باعث افزایش استرس و اضطراب، ناتوانی در برقراری ارتباط با دیگران و حل مسئله می‌شود. راهبردهایی که فرد به کار می‌برد، بخشی از نمرخ آسیب‌پذیری او به شمار می‌رود و به کار بردن راهبردهای نامناسب در رویارویی با عوامل استرس‌زا می‌تواند موجب افزایش مشکلات گردد، در حالی که به کارگیری راهبردهای مناسب مقابله‌ای می‌تواند پیامدهای سودمند جسمی و روانی در زندگی فرد را در پی داشته باشد (صمدی‌فر، ۱۳۹۴).

هیجان‌خواهی به عنوان یک خصیصه شخصیتی در گستره هیجانی موضوع بسیار قابل ملاحظه‌ای است که آثار مشهود و نتایج غیر قابل انکاری بر روابط بین فردی دارد و می‌تواند گوشه‌ای از مسائل مربوط به روابط خانوادگی را در قالب روابط عاطفی بین دو فرد که پیمان زناشویی می‌بندند، روشن کند. از آنجا که درجه هیجان‌خواهی در افراد بسیار متفاوت است، به نظر می‌رسد که نظام شناختی و عاطفی هر فرد قاعدتاً بر پایه این خصیصه سازماندهی می‌شود. خداپناهی در تحقیقی نشان داد که نابرابری سطح هیجان‌خواهی در دهه اول زندگی زناشویی می‌تواند در گسستگی زندگی زناشویی مؤثر باشد (تورنتون و همکاران، ۲۰۱۹).

دو کانه‌ای فرد و شریفی، ۱۳۸۹) مبنی بر انتخاب ۴۰-۲۰ نفر برای هر متغیر و با توجه به اینکه پژوهش حاضر دارای ۶ متغیر است؛ اگر به ازای هر متغیر ۴۰ نفر را انتخاب کنیم و چون در فرآیند جمع‌آوری داده‌ها احتمال ریزش وجود دارد، لذا نمونه انتخابی ۲۵۰ نفر برآورد شد که با احتمال افت و نبود طلاق عاطفی در بعضی افراد، حجم نمونه دو برابر (۵۰۰ نفر) انتخاب شد.

برای روش انتخاب نمونه از آنجایی که در مناطق مختلف تهران از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تفاوت وجود دارد، ابتدا شهر تهران را به پنج بخش شمال و جنوب و شرق و غرب و مرکز تقسیم نموده و از هر بخش یک منطقه را به تصادف انتخاب کرده، به این صورت که از شمال منطقه ۱، از شرق منطقه ۴، از مرکز منطقه ۶، از غرب منطقه ۵ و از جنوب منطقه ۱۶ به تصادف انتخاب و از هر منطقه لیست مدارس را با همکاری آموزش و پرورش تهیه نموده و با مجوز همکاری از اداره مربوطه همان منطقه از هر منطقه، ۷ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب گردید و از مدارس هر منطقه‌ای ۱۰۰ نمونه جمع‌آوری شد. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بود از رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش و افرادی که بیش از ۵ سال از زندگی زناشویی آنها می‌گذرد. ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش و تحت درمان روان‌پزشک یا روان‌درمانی بودن بود. به منظور رعایت اصول اخلاقی پژوهش در مورد محرمانه بودن اطلاعات به نمونه‌های پژوهش اطمینان داده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، تحلیل مسیر و بوت استرپینگ انجام شد

ابزار

پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن: این پرسشنامه توسط گاتمن در سال ۲۰۰۸ نوشته شده و شامل جملاتی درباره جنبه‌های مختلف زندگی است که ممکن است فرد با آن موافق یا مخالف باشد. این مقیاس ۲۴ سؤال دارد و به شیوه بله یا خیر باید به آن جواب داد. هر چقدر میزان جواب‌های بله بیشتر باشد احتمال طلاق عاطفی بیشتر است. بعد از جمع کردن پاسخ‌های بله، اگر تعداد آن برابر ۸ و بالاتر بود زندگی شما در معرض خطر و جدایی قرار دارد (۲۵). در پژوهش احمدلو و زینالی درستی این ابزار تأیید و قابلیت اعتماد آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۷ بدست آمد (۲۶). در این پژوهش نیز قابلیت اعتماد ابزار با آلفای کرونباخ ۰/۹۱ بدست آمد.

پیامدهای منفی روانی، جسمانی، اجتماعی و اخلاقی شده و باعث تزلزل نظام جامعه گردیده و جامعه را به سوی مشکلات گوناگون سوق می‌دهد. در کل، مطالب گفته شده بیانگر این موضوع است که طلاق عاطفی مقدمه جدایی و طلاق زوجین است. بنابراین همین امر را می‌توان یکی از مهمترین دلایل اهمیت بررسی طلاق عاطفی به شمار آورد. از اینرو حل و فصل تعارضات زناشویی و جلوگیری از آسیب طلاق مستلزم توجه به سازه‌های مرتبط و تقویت کننده آنها و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر طلاق است که در این پژوهش، محقق سعی در بررسی تأثیر متغیرهای سواد عاطفی، سبک‌های مقابله‌ای، هیجان‌خواهی و کیفیت زندگی با متغیرهای میانجی تاب‌آوری و تنظیم هیجان بر پیش‌بینی احتمال طلاق عاطفی دارد، که در صورت اثبات تأثیر متغیرهای فوق با کنترل این متغیرها می‌توان از بروز طلاق عاطفی پیشگیری کرد که این امر خود موجب بالا بردن سطح بهداشت روانی خانواده و به تبع آن جامعه می‌گردد. به طور کلی آمار رسمی طلاق به طور کامل نشان دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آماری بزرگتر به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد. یعنی همسران با هم زندگی می‌کنند ولی تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند. رسیدن به مرحله طلاق عاطفی نیز آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیری برای خانواده به همراه دارد و متأسفانه در همین زمان است که بیشتر انحرافات اخلاقی و آسیب‌های اجتماعی و روانی پیش می‌آید. در نهایت با توجه به مطالب عنوان شده و براساس پژوهش‌هایی که تا به حال به عنوان علل احتمالی طلاق عاطفی بیان شده‌اند، محقق قصد دارد به این سؤال پژوهشی پاسخ دهد، آیا با میانجی‌گری تاب‌آوری می‌توان طلاق عاطفی بر اساس سواد عاطفی، سبک‌های مقابله‌ای، کیفیت زندگی و هیجان‌خواهی را پیش‌بینی کرد؟

روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و طرح پژوهش از نوع همبستگی با رویکرد مدل معادلات ساختاری بود، که رابطه بین ۴ متغیر پیش‌بین با یک متغیر ملاک و میانجی‌گری یک متغیر مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل زنان متأهل شاغل در مدارس ابتدایی دولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ بود که بیش از ۵ سال از ازدواج آنان گذشته است. گروه نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شد. با استناد به نظر هویت و کرامر (۲۰۰۴)، ترجمه شریفی، نجفی زند، احقر، میرهاشمی،

شده است (داوودنیا، ۱۳۹۲). در این پژوهش نیز قابلیت اعتماد ابزار با آلفای کرونباخ ۰/۸۷ بدست آمد.

پرسشنامه مقیاس کارکردهای روانشناختی خانواده ایرانی: برای سنجش سواد عاطفی از پرسشنامه کارکردهای روانشناختی خانواده استفاده شد. این مقیاس توسط کیمیایی در سال (۱۳۸۸) طراحی و ساخته شده است. مؤلفه سواد عاطفی در این آزمون شامل ۷ سؤال است که به صورت لیکرت ۷ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. روایی این آزمون توسط سازنده آزمون تأیید و قابلیت اعتماد آن ۰/۹۱ گزارش شد (کیمیایی، خادمیان، فرهادی و قیمتی، ۱۳۹۱). در این پژوهش نیز قابلیت اعتماد ابزار با آلفای کرونباخ ۰/۸۳ بدست آمد.

یافته‌ها

در این پژوهش ۲۵۰ معلم زن حضور داشتند که ۴۵ نفر از آنها ازدواج فامیلی و ۲۰۵ نفر نیز ازدواج غیرفامیلی داشتند. شاخص‌های توصیفی نشان می‌دهد حداقل سن اعضای نمونه ۲۴ و حداکثر سن ۵۵ سال است. میانگین سن ۳۸/۶۹ سال است. حداقل مدت ازدواج ۵ سال و حداکثر آن ۳۴ سال است. میانگین مدت ازدواج پاسخ دهنده‌ها ۱۲/۲۸ سال است. حداقل تعداد فرزند صفر و حداکثر آن ۴ است. میانگین تعداد فرزندان اعضای نمونه ۱/۲۴ است.

مطابق با یافته‌های گزارش شده در جدول ۱ مشخص است که طلاق عاطفی با هیجان‌خواهی همبستگی مثبت و معنی‌دار؛ با کیفیت زندگی همبستگی منفی و معنی‌دار؛ با راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار؛ با سواد عاطفی همبستگی منفی و معنی‌دار؛ با تاب‌آوری همبستگی منفی و معنی‌دار دارد. گفتنی است که بین طلاق عاطفی و راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار ارتباط معنی‌داری وجود نداشت.

نتایج بررسی تأثیر مستقیم متغیرهای مستقل در جدول ۲ نشان داد که کیفیت زندگی ($t=2/944$ و $p \leq 0/003$) و سواد عاطفی ($t=0/000$) $p \leq 7/244$ به طور مستقیم و منفی، سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار ($t=1/977$ و $p \leq 0/049$) و هیجان‌خواهی ($t=3/388$ و $p \leq 0/000$) بطور مستقیم و مثبت بر طلاق عاطفی تأثیر دارند اما تأثیر سبک مسئله-مدار معنی‌دار نیست؛

پرسشنامه کیفیت زندگی: فرم ۳۶ عبارتی پرسشنامه کیفیت زندگی توسط ورشوربون در سال (۱۹۹۲) در کشور آمریکا طراحی شد و درستی و قابلیت اعماد آن در گروه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است (حیدری، رزبان، میرزایی، حیدری، ۲۰۱۷). این پرسشنامه دارای ۳۶ عبارت است. درستی و قابلیت اعتماد این پرسشنامه در ایران تأیید شده است ($t=0/7-0/9$). این پرسشنامه توسط نجات در سال (۱۳۸۴) استانداردسازی و هنجاریابی شده است و قابلیت اعتماد این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۸ می‌باشد (رحیمی، ۱۳۹۰). در این پژوهش نیز پایایی ابزار با آلفای کرونباخ ۰/۸۸ بدست آمد.

پرسشنامه سبک‌های مقابله‌ای لازاروس - فولکمن: پرسشنامه سبک‌های مقابله‌ای که توسط لازاروس و فولکمن در سال (۱۹۸۵) تهیه شده است شامل ۶۶ ماده می‌باشد. این ماده‌ها هشت روش مقابله‌ای مسئله‌مدار و هیجان‌مدار را مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهند که به صورت زیر هستند:

الف. روش‌های مسئله‌مدار: (جستجوی حمایت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، حد‌مدرانه مسئله، ارزیابی مجدد مثبت) ب. روش‌های هیجان‌مدار (مقابله رویارویی‌گر، دوری‌گزینی، خویش‌داری، خود‌مهاری، گریز - اجتناب). لازاروس ثبات درونی ۰/۶۶ تا ۰/۷۹ را برای هر یک از سبک‌های مقابله‌ای گزارش کرده است. زارعی و اسدی در پژوهش خود برای گروه نوجوان معناد، ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۸۲ گزارش کردند (زاکرمون کولمن، ۲۰۰۰). در این پژوهش نیز قابلیت اعتماد ابزار با آلفای کرونباخ ۰/۸۶ بدست آمد.

پرسشنامه هیجان‌خواهی: این پرسشنامه توسط زاکرمون، کولین، پریس و زوب در سال (۱۹۶۴) ساخته شد که یک پرسشنامه ۴۰ ماده‌ای بود. این مقیاس یک توصیف کلی از صفت هیجان‌خواهی با سنجش چهار عامل فردی (هیجان‌خواهی، تجربه‌طلبی، گریز از بازداری و ملال‌پذیری) را به دست می‌آورد و برای هر یک از عامل‌ها ۱۰ ماده مقیاس در نظر گرفته شده است. آزمودنی در هر ماده، نمره صفر یا یک را احراز می‌نماید (نمره یک یعنی همان انتخاب جزء کلید). در پایان آزمودنی براساس انتخاب‌هایش نمره‌ای را احراز می‌کند که از صفر تا چهل در نوسان است. این نمره بیانگر میزان هیجان‌خواهی او است (محمدیاری و حسینیان، ۱۳۹۷). قابلیت اعتماد این مقیاس توسط زاکرمون و آیزنک در حدود ۰/۸۵ تا ۰/۸۶ برآورده

متغیرهای پژوهش	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱ هیجان خواهی							
۲ کیفیت زندگی	۰/۰۲۸						
۳ راهبرد مقابله‌ای مسأله‌مدار	۰/۰۵۱	۰/۰۰۰					
۴ راهبرد مقابله هیجان‌مدار	۰/۱۲۵*	-۰/۱۷۵**	۰/۶۲۳**	۱			
۵ سواد عاطفی	-۰/۰۲۹	۰/۱۳۶*	-۰/۰۷۲	-۰/۰۶۳	۱		
۶ تاب‌آوری	۰/۰۲۲	۰/۲۹۶**	۰/۳۸۳**	۰/۲۶۱**	۰/۲۰۵**	۱	
۷ طلاق عاطفی	۰/۲۰۹**	-۰/۳۶۷**	-۰/۰۲۸	۰/۲۵۱**	-۰/۴۱۲**	-۰/۳۳۱**	۱

متغیرها	ضریب استاندارد	انحراف معیار	t	p
راهبرد هیجان‌مدار -> طلاق عاطفی	۰/۲۷۵	۰/۱۳۹	۱/۹۷۷	۰/۰۴۹
سواد عاطفی -> طلاق عاطفی	-۰/۳۶۳	۰/۰۵۰	۷/۲۴۲	۰/۰۰۰
هیجان خواهی -> طلاق عاطفی	۰/۱۶۶	۰/۰۴۹	۳/۳۸۸	۰/۰۰۱
کیفیت زندگی -> طلاق عاطفی	-۰/۱۸۹	۰/۰۶۴	۲/۹۴۴	۰/۰۰۳

شاخص برازش	میزان	ملاک	تفسیر
χ ^۲	۵۱۴۰/۷۱ درجه آزادی ۱۸۱۳	-	-
p value	۰/۰۱	بیشتر از ۰/۰۵	عدم برازش
خی دو نسبی	۸۳/۲	کوچک‌تر از ۳	قابل قبول
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۴	بیش از ۰/۹۰	قابل قبول
شاخص توکر-لویس (TLI)	۰/۹۱	بیش از ۰/۹۰	قابل قبول
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۲	بیش از ۰/۹۰	برازش مطلوب
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	۰/۰۷۶	کمتر از ۰/۰۸	قابل قبول
شاخص برازش هنجار شده (NFI)	۰/۹۳	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	برازش مطلوب

بررسی برازش مدل با داده‌ها از شاخص‌های برازش دیگر استفاده کرد. با توجه به نتایج جدول ۳، تمام شاخص‌های برازش مدل با داده‌ها از مقادیر قابل قبولی برخوردار هستند. این نتیجه حاکی از برازش مدل با داده‌های تجربی است. در ادامه به ارتباط متغیرها با نقش میانجی پرداخته می‌شود.

با توجه به جدول ۳، مشخص است که مدل طراحی شده توسط محقق از برازش قابل قبولی برخوردار است. هر چند که اندازه‌های دو (χ^۲) از نظر آماری معنی‌دار است و این معناداری به معنای عدم برازش مدل با داده‌هاست. با این حال در تفسیر نتایج معادلات ساختاری معمولاً خی دو به علت اینکه شدیداً به تعداد نمونه بستگی دارد، به‌عنوان شاخص برازش مطمئن محسوب نمی‌شود و باید برای

ضریب استاندارد	انحراف معیار	t	سطح معنی داری
-۰/۰۳۷	۰/۳۴	۲/۲۶۸	۰/۰۴۱
-۰/۰۱۸	۰/۰۱۳	۱/۳۸۵	۰/۱۶۷
۰/۰۰۲	۰/۰۰۷	۰/۲۴۸	۰/۸۰۴
-۰/۰۹۵	۰/۰۴۲	۳/۵۰۷	۰/۰۰۴

می‌کند. در این حالت اگرچه که وضعیت پیش آمده برای زنان قابل درک است اما نارضایتی شدیدی را تجربه می‌کنند. بر اساس نتایج یک پژوهش کیفی، زنان در این موقعیت احساس می‌کنند که شوهرشان کار و دیگران را به آنها ترجیح می‌دهد و برای شنیدن حرف‌های آنها و بودن در کنار آنها زمان کافی اختصاص نمی‌دهد و همین باعث شکل‌گیری و تداوم رابطه سرد عاطفی در آنها می‌شود (رضایی، میرزاده کوهشاهی، یعقوبی ترکی، ۱۳۹۶).

یکی دیگر از ابعاد مؤثر بر طلاق عاطفی، اختلال در قلمرو اجتماعی است. برخی از زوجین با عنوان علاقه شدید، محیط ایزوله‌ای را برای خود ایجاد می‌کنند. در این حالت زوجین رابطه خود را با دنیای پیش از ازدواج قطع نموده و تعامل چندانی با اطرافیان ندارند. به‌مرور زمان یکی از زوجین خسته شده و این حریم را می‌شکند. در پی این اقدام زوج یا زوجه احساس می‌کند که کنترل خانواده از دست وی خارج شده و دست به اقدامات مختلف برای کنترل اوضاع و برگرداندن شرایط می‌کند و با توجه به عدم موفقیت، چالش‌ها شروع می‌شود. نهایتاً مشاجره‌های مکرر باعث از بین رفتن علاقه شدید قبلی، و سردی عاطفی می‌شود و در نهایت احتمال طلاق عاطفی بیشتر خواهد شد.

نتیجه بعدی پژوهش نشان داد که تاب‌آوری تأثیر میانجی معنی داری بر ارتباط بین کیفیت زندگی و طلاق عاطفی دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش هوبر، ناوارو، و ومبل و میوم (۲۰۱۰) که نشان دادند ارتباط مثبتی بین تاب‌آوری و رضایت از زندگی زناشویی وجود دارد، همسو بود.

در تبیین نتیجه فوق می‌توان به نقش عوامل تعیین‌کننده در تاب‌آوری افراد اشاره کرد. ماستن، بست و گارمزی (۱۹۹۰) بر این باورند که تاب‌آوری به عوامل درونی (مهارت‌های شناختی، تنظیم هیجان‌ها)، عوامل خانوادگی (حمایت‌های خانوادگی) و عوامل اجتماعی (حمایت اجتماعی) وابسته است. با کاهش کیفیت زندگی و تأثیر متقابل ابعاد کیفیت زندگی بر یکدیگر، می‌توان انتظار داشت در حیطه‌های مختلف چون روابط اجتماعی اختلال ایجاد شود. این موضوع می‌تواند فضای دریافت حمایت اجتماعی تحت تأثیر قرار گیرد و فرد امکان دریافت این حمایت را کمتر داشته باشد. همچنین کاهش کیفیت زندگی منجر به افزایش تنش در بستر خانواده خواهد شد که فرصت دریافت حمایت خانوادگی را سلب خواهد کرد. پس انتظار می‌رود کاهش کیفیت زندگی منجر به کاهش تاب‌آوری در

مطابق با یافته‌های گزارش شده در جدول ۴ مشخص است که اندازه ضریب استاندارد کیفیت زندگی بر طلاق عاطفی به واسطه تاب‌آوری برابر با ۰/۰۹۵- است که از نظر آماری معنی دار است. این یافته به معنای این است که تاب‌آوری تأثیر میانجی معنی‌داری بر ارتباط بین کیفیت زندگی و طلاق عاطفی دارد. اندازه ضریب رگرسیون سبک مقابله‌ای مسأله‌مدار بر طلاق عاطفی به واسطه تاب‌آوری از نظر آماری معنی دار نیست اما اندازه ضریب رگرسیون سبک مقابله‌ای هیجانی بر طلاق عاطفی به واسطه تاب‌آوری از نظر آماری معنی دار است. اندازه ضریب رگرسیون هیجان‌خواهی بر طلاق عاطفی به واسطه تاب‌آوری از نظر آماری معنی دار نیست. اندازه ضریب رگرسیون سواد عاطفی بر طلاق عاطفی به واسطه تاب‌آوری از نظر آماری معنی دار نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سواد عاطفی، سبک‌های مقابله‌ای، کیفیت زندگی، هیجان‌خواهی با میانجی‌گری تاب‌آوری بود. اولین نتیجه پژوهش نشان داد که کیفیت زندگی به‌صورت مستقیم تأثیر منفی بر طلاق عاطفی دارد. این بدان معنی است که افزایش کیفیت زندگی بر کاهش طلاق عاطفی مؤثر است. این نتیجه با نتایج پژوهش بینا (۱۳۹۷)، حسینی نیا (۱۳۹۵)، مرادیان (۱۳۹۵) همراستاست، در این پژوهش‌ها رابطه منفی بین کیفیت زندگی و طلاق عاطفی مشخص شده است و کیفیت زندگی را به‌عنوان متغیر مؤثری در پیش‌بینی طلاق عاطفی معرفی کرده‌اند.

در تبیین نتایج فوق می‌توان به ابعاد کیفیت زندگی و نتایج حاصل از اختلال در این ابعاد، بر روی روابط زوجین اشاره کرد.

بنا به تعریف هورنکوئیست کیفیت زندگی دارای پنج بعد است که شامل ۱. قلمرو فیزیکی شامل: سلامت بدن و فشار ناشی از بیماری خاص. ۲. قلمرو روانی - عاطفی شامل: احساس رضایت از زندگی یا احساس خوب بودن. ۳. قلمرو اجتماعی شامل: تماس اجتماعی و ارتباط مناسب با دیگران به‌طور عام و با خانواده و همسر به‌طور خاص. ۴. قلمرو رفتاری فعالیتی شامل: ظرفیت و پذیرش مراقبت از خود و انجام کار و فعالیت و حرکت. ۵. قلمرو مادی شامل: وضعیت اقتصادی و مالی فرد (دومیود و همکاران، ۲۰۱۷).

تمامی این ابعاد با یکدیگر مرتبط هستند و بروز اختلال در هر یک بر سایر جنبه‌ها اثر می‌گذارد. اختلال در قلمرو اقتصادی، اغلب به‌صورت انجام کار بیشتر و صرف زمان بیشتر در خارج از منزل بروز

در تبیین این نتیجه می‌توان گفت، در راهبرد مقابله‌ای هیجان مدار، فرد بر هیجان متمرکز می‌گردد و سعی در ابراز آن دارد. در واقع فرد به جمع‌آوری اطلاعات مربوط به حادثه فشارزا می‌پردازد و با استفاده از منابع، طرح‌ها و نقشه‌هایی برای ابراز هیجان به کار می‌برد. همچنین راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار شیوه‌ای را توصیف می‌کنند که بر اساس آن فرد بر خود متمرکز شده و تمام تلاش او متوجه کاهش احساسات خویش است.

تاب‌آوری به مهارت‌ها و توانمندی‌هایی اشاره دارد که فرد را قادر می‌سازد با سختی‌ها، مشکلات و چالش‌ها سازگار شود (ماستن، ۲۰۱۶). فرد تاب‌آور به‌طور عادی قادر به تفکر خلاقانه و منعطف درباره ابراز هیجان است. یعنی هر وقت که نیاز داشته باشد از افراد دیگر کمک می‌خواهد و از شایستگی حل مشکلات مربوط به خود و دیگران برخوردار است. پس می‌توان گفت وجود سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار ارتباط تنگاتنگی با تاب‌آوری دارد. و در اصل یکی از ویژگی‌های مرتبط با تاب‌آوری است که مسلماً با افزایش آن، تاب‌آوری افزایش می‌یابد.

همچنین می‌توان گفت، استفاده از سبک مقابله‌ای هیجان‌محور، گریز - اجتناب، با اجتناب از موقعیت تنش‌زا باعث باقی ماندن تعارض پیش آمده و درگیر شدن در یک فرآیند فرسایشی می‌شود. افرادی که از سبک گریز - اجتناب استفاده می‌کنند، خود را در روبرو شدن با مشکل و امکان حل آن ناتوان می‌بینند، این در حالی است که بر طبق پژوهش‌ها تاب‌آوری با باور شخص به توانایی حل مسئله مرتبط است (مدول و پونس - گارسیا، ۲۰۱۶).

همچنین سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌محور با پایین بودن سطح سرسختی روانشناختی در ارتباط است. میزان سرسختی روانشناختی در افراد می‌تواند نشان از میزان باور افراد به این موضوع باشد که چقدر حوادث زندگی قابل پیش‌بینی و کنترل است و می‌تواند با تلاش بر آنچه در اطرافش اتفاق می‌افتد تأثیر بگذارد. افراد سرسخت حوادث زندگی را کمتر فشارزا می‌بینند لذا بیشتر ممکن است در مقابل مشکلات دید مثبتی داشته باشند و به مشکلات به‌عنوان تجارب ضروری زندگی نگاه کنند و در یک کلام تاب‌آوری بیشتری دارند. پس می‌توان این‌گونه گفت که در زمان ایجاد تنش‌های زندگی افرادی که از سبک مقابله‌ای اجتناب - گریز استفاده می‌کنند با تقویت این باور که نمی‌توانند بر مشکلات فائق آیند، موقعیت پیش آمده را به‌عنوان خطر و نه بخشی از تجارب زندگی پردازش می‌کنند.

افراد گردد. از سوی دیگر کاهش تاب‌آوری در افراد، سازگاری با مشکلات و چالش‌ها را کاهش می‌دهد و با تشدید تنش بین زوجین امکان سرد شدن روابط و طلاق عاطفی افزایش می‌یابد.

نتیجه بعدی پژوهش این نتیجه گویای این بود که سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار تأثیر مستقیم و مثبتی بر روی طلاق عاطفی دارد. با این حال تأثیر سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار بر روی طلاق عاطفی از نظر آماری معنی‌دار نیست. در راستای نتیجه پژوهش حاضر، نتیجه حاصل از پژوهش داوودنیا (۱۳۹۲) نشان می‌دهد استفاده از سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار به افزایش رضایت زناشویی و کاهش احتمال طلاق کمک می‌کند.

در تبیین نتیجه حاصل می‌توان گفت، به‌کارگیری روش‌های مقابله‌ای به افراد کمک می‌کند تا بر بسیاری از تعارضات فردی، مشکلات مربوط به روابط اجتماعی، جسمانی و روانی غلبه کنند. سبک‌های مقابله‌ای در واقع عبارت از تلاش‌های فکری، هیجانی و رفتاری فرد است و هنگام روبه‌رو شدن با فشارهای روانی به‌منظور غلبه کردن، تحمل کردن یا به حداقل رساندن عوارض استرس به کار گرفته می‌شوند. لذا آنچه با عنوان مهارت‌های مقابله‌ای مطرح می‌شود، روش‌های برخورد با مسائل است (محمدزاده و خسروی، ۱۳۹۱). متوسل شدن به سبک گریز - اجتناب در موقعیت‌های پر تنش، موقعیت حل مسئله را از شخص سلب می‌کند. این شرایط باعث می‌شود نه تنها مشکل ایجاد شده به قوت خود باقی بماند بلکه به‌صورت مکرر، تنش همراه با آن به زندگی برگردد. این در حالی است که یافته‌ها نشان، می‌دهند که زیان بخش‌ترین متغیرها برای روابط صمیمانه، عوامل فشارزایی خفیف و مزمن بیرونی هستند که به روابط صمیمانه سرایت می‌کند. این عوامل استرس‌زا دلیل تنش و تعارض در بین زوج‌ها و بیگانگی میان آنهاست که احتمال طلاق را افزایش می‌دهد.

در ادامه نتایج نشان داد که سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار بر طلاق عاطفی به واسطه تاب‌آوری از نظر آماری معنی‌دار نیست اما اندازه ضریب رگرسیون سبک مقابله‌ای هیجانی بر طلاق عاطفی به واسطه تاب‌آوری از نظر آماری معنی‌دار است. این بدان معنی است که افزایش سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار باعث کاهش تاب‌آوری در زوج می‌شود و به این واسطه باعث افزایش احتمال طلاق عاطفی می‌گردد.

نتیجه بررسی نقش میانجی نشان داد که اندازه ضریب رگرسیون هیجان‌خواهی بر طلاق عاطفی به واسطه تاب‌آوری از نظر آماری معنی‌دار نیست. پس بدین ترتیب نقش تاب‌آوری به‌عنوان واسطه بین هیجان‌خواهی و احتمال طلاق عاطفی رد می‌شود.

در تبیین عدم واسطه‌گری تاب‌آوری در پیش‌بینی طلاق عاطفی می‌توان به عوامل تعیین‌کننده تاب‌آوری در افراد اشاره کرد. ماستن و رید (۲۰۰۱) بر این باورند که تاب‌آوری به عوامل فردی (مهارت‌های شناختی، مهارت تنظیم هیجان‌ها)، عوامل خانوادگی (حمایت‌های خانوادگی) و عوامل اجتماعی (حمایت اجتماعی) وابسته است. این در حالی است که هیجان‌خواهی بیشتر به‌عنوان یک ویژگی ذاتی و تحت تأثیر ساختار زیست‌شیمیایی بدن تعریف می‌شود پس می‌توان انتظار داشت که هیجان‌خواهی توانایی پیش‌بینی تاب‌آوری را نداشته باشد و به این واسطه نقش میانجی تاب‌آوری، بی‌معنی گردد.

نتیجه بعدی پژوهش نشان داد که سواد عاطفی به‌صورت مستقیم تأثیر منفی بر طلاق عاطفی دارد. این بدان معنی است که افزایش سواد عاطفی بر کاهش احتمال طلاق عاطفی مؤثر است. در تبیین نتیجه حاصل می‌توان به این موضوع اشاره کرد که عدم تأمین نیازهای عاطفی که به دلیل فقدان محبت یا عدم ابراز محبت بوده است، منجر به سرد شدن رابطه‌ی زن و مرد و جدایی عاطفی می‌شود. وقتی زوجین سواد عاطفی کمی دارند، قادر به اندیشیدن، تشخیص دادن، اداره کردن، دریافت و انتقال عواطف خود به‌طور مناسب نیستند. آنها نمی‌توانند به شکل درستی درک کنند که عواطف چگونه رفتارها و تفکرشان را شکل می‌دهد. این موضوع می‌تواند به‌صورت ناتوانی در درک نیازهای عاطفی یکدیگر بروز کند. که گاهی با شکایاتی چون عدم ابراز محبت زوج مطرح می‌شود. همچنین این مشکل می‌تواند به دلیل نگرش متفاوت زن و مرد در زمینه ابراز محبت، منجر به سوءتفاهم‌های متعدد گردد که باعث سرد شدن رابطه زوجین می‌گردد (باستانی و همکاران، ۱۳۸۹). بر اساس نظر پل بوهانان، در پی علت‌شناسی طلاق، طلاق عاطفی در پی پاسخ ندادن زوجین به نظرات، انتظارات و نیازهای آنها اتفاق می‌افتد. در این موارد افراد نسبت به هم بی‌توجه شده و از یکدیگر پرهیز می‌کنند. این شرایط باعث کاهش چشم‌گیر تعاملات مثبت و رضایت از رابطه طرفین، زمینه طلاق عاطفی را فراهم می‌کند (اولسون و دیفرین و اسکوگراین، ۲۰۱۰). در نهایت نتایج تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد سواد

این شرایط با افزایش تنش و فشار پیش‌آمده سطح سازگاری فرد را کاهش داده و امکان تأمین نیازهای عاطفی را در ارتباط زوجین کاهش می‌دهد و در نتیجه احتمال طلاق عاطفی افزایش می‌یابد.

نتیجه بعدی پژوهش نشان داد که هیجان‌خواهی تأثیر مستقیمی بر روی طلاق عاطفی دارد. اگر پدیده هیجان‌خواهی به‌عنوان یک تعیین‌کننده ژنتیکی محسوب گردد، جلوه‌های آن به امکانات محیطی برای رشد این ویژگی وابسته می‌شوند. عامل هیجان‌خواهی و ماجراجویی (علاقه‌مندی برای شرکت در ورزش‌ها و فعالیت‌هایی که گاهی با خطرات جسمی همراه است) بیشتر در بین طبقه متوسط جامعه و عامل تجربه طلبی (تمایل برای کسب تجربه‌های جدید از طریق زندگی غیر متعارف با دوستان غیرعادی و سفر به مکان‌های دور) بیشتر در بین طبقه متوسط و بالای جامعه مشاهده می‌شود. مهمترین مؤلفه هیجان‌طلبی که می‌توان آن را مخرب زندگی مشترک و مسبب طلاق عاطفی دانست عامل «گریز از بازداری» (تمایل برای رفتارهای بی‌قید و بند و تنوع طلبی جنسی) است. (زاکرمین و کوهلن، ۲۰۰۰). بی‌شک عدم تعهد در روابط جنسی منجر به سردی روابط و جدایی عاطفی زوجین می‌شود.

علاوه بر این عدم شباهت در میزان هیجان‌خواهی زوجین می‌تواند به تدریج باعث فاصله در روابط گردد. ماجراجویی، تمایل به انجام رفتارهای نامتعارف و انرژی بالای افراد هیجان‌خواه، در ابتدای ارتباط می‌تواند مطلوب و جذاب جلوه کند. اما با گذشت زمان مشکلات ایجاد شده به دلیل این هیجان‌خواهی زیاد، مانند آسیب‌های جسمی، استرس‌های مالی، تنوع طلبی و عدم تعهد، زمینه شروع اختلافات و تعارضات زوجین را فراهم می‌کند و به این واسطه بستر زوال روابط را مهیا می‌سازد.

از زاویه دیگر بر طبق نظریه مارک‌نپ، یک رابطه از مرحله ساختن رابطه آغاز می‌شود و بعد از رسیدن به اوج، رابطه رو به زوال نهاده و به طرف جدایی حرکت می‌کند. در طی مرحله افتراق مارک‌نپ، فردی که هیجان‌خواهی بیشتری نسبت به همسر خود دارد، احساس می‌کند که رابطه او با همسرش، به‌شدت او را محدود کرده است. مارک‌نپ معتقد است در این وضعیت طرفین بیشتر از وجوه اشتراک، به تفاوت‌ها می‌اندیشند و سعی در برجسته کردن اختلافات دارند. این تفاوت‌های تشدید شده می‌تواند رابطه را به سردی گرایش داده و منجر به طلاق عاطفی گردد.

اقدام به طلاق: یک پژوهش کیفی. خانواده پژوهی، ۱۳ (۴)، ۶۰۴-۵۸۵.

صمدی فر، حمیدرضا. (۱۳۹۴). رابطه مزاج‌های عاطفی و طلاق عاطفی با کیفیت زندگی زوجین. دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، تهران.

عظیمی رستا، محمود و عابدزاده‌نوبریان، مهرناز (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق عاطفی میان زوجین در خانواده. مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ۳ (۱۰)، ۴۶-۳۱.

فداکار، سعید (۱۳۹۵). رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار و انسجام خانواده با طلاق عاطفی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت.

کرامن، دانکن و هویت، دنیس (۲۰۰۴). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق در روانشناسی و مشاوره. ترجمه شریفی، حسن پاشا؛ نجفی‌زند، جعفر؛ میرهاشمی، مالک؛ شریفی، نسترن؛ احقر، قدسی و دوکانه-ای فرد، فریده (۱۳۸۹). تهران: سخن.

کیمیایی، علی؛ خادیمان، حسین؛ فرهادی، حسن و قیمتی، عبدالرحیم (۱۳۹۱). ساخت و مطالعه مقدماتی ویژگی‌های روانسنجی و اعتباریابی مقیاس کارکردهای روانشناختی خانواده ایرانی. پژوهش‌های نوین روانشناختی، ۲۱ (۱)، ۱۴۵-۱۸۲.

محمدزاده، جهان‌شاه و خسروی، افرا (۱۳۹۱). بررسی رابطه هدف در زندگی، سبک‌های مقابله‌ای با بهداشت روانی در میان دانشجویان دانشگاه ایلام. تحقیقات نظام سلامت، ۶ (۱)، ۹۵۱-۹۵۸.

محمدیاری، انسیه و حسینیان، سیمین (۱۳۹۷). فراتحلیل اثربخشی درمان کوتاه مدت راه حل محور بر زوج درمانی (ایران، ۱۳۹۶-۱۳۸۵).

فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۳ (۴۳)، ۴۳-۵۴.
مردادیان، شیما (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین کیفیت زندگی، رضایت زناشویی، سن ازدواج و ارتباط جنسی پیش از ازدواج با طلاق عاطفی زنان شهر ایلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه شهید چمران هواز.

میرزایی، حصیه (۱۳۹۳). تأثیر طلاق عاطفی بر اختلالات رفتاری کودکان. مطالعه موردی (شهرستان روانسر). پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی رشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

Atan, A., & Buluş, M. (2019). Aile İletişim Becerileri Psikoeğitim Programının Eşlerin Evlilik Doyumuna Etkisi 1 the Effect of Family Communication Skills Psycho-Educational Program on Couples' Marital Satisfaction. *Elementary Education Online*, 18(1), 226-240.

Darnhofer, I., Lamine, C., Strauss, A., & Navarrete, M. (2016). The resilience of family farms: Towards a

عاطفی توانایی پیش‌بینی تاب‌آوری را ندارد. پس بدین ترتیب نقش تاب‌آوری به‌عنوان واسطه بین سواد عاطفی و احتمال طلاق عاطفی رد می‌شود.

این پژوهش نیز به مانند هر پژوهشی با محدودیت‌هایی روبرو است، یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که پژوهش به روش پس‌رویدادی انجام شده است و در پژوهش‌های پس‌رویدادی امکان دستکاری متغیر مستقل از محقق سلب می‌شود. بعلاوه امکان کنترل همه متغیرهایی که می‌توانند بر متغیر وابسته اثر بگذارند نیز کمتر وجود دارد. بنابراین نمی‌توان نتایج حاصل از بررسی متغیر مستقل و وابسته را قطعی تلقی کرد؛ همچنین از آنجایی که این پژوهش بر روی افراد درگیر در طلاق عاطفی انجام شده، لذا در تعمیم یافته‌های پژوهش به سایر شیوه‌های اختلاف‌زناشویی مانند زوجین در آستانه طلاق، باید جانب احتیاط رعایت شود. برای پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر بر روی زوجین در آستانه طلاق اجرا شود و به‌منظور تعمیم‌دهی بیشتر نتایج، در پژوهش‌های بعدی، پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر بر روی مردان درگیر در طلاق عاطفی و زوجین به‌صورت همزمان نیز انجام شود.

منابع

باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود و روشنی، شهره (۱۳۸۹). طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱ (۳)، ۷۸-۶۷.

بینا، آناهیتا (۱۳۹۷). مقایسه مؤلفه‌های کیفیت زندگی و بهزیستی روانشناختی زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه تبریز.

حسینی نیا، سارا (۱۳۹۵). مقایسه سلامت عمومی و کیفیت زندگی در زوج‌های متقاضی و غیر متقاضی طلاق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس.

داوودنیا، رضا (۱۳۹۲). اثربخشی زوج درمانی کوتاه مدت راه‌حل محور بر کاهش فرسودگی زناشویی زنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب.

رحیمی، افسانه (۱۳۹۰). رابطه هیجان‌خواهی و سلامت‌روان با رضایت زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه پیام‌نور استان تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه پیام‌نور تهران.

رضایی، علی محمد؛ میرزاده کوهشاهی، فرشته و یعقوبی ترکی، الهام (۱۳۹۶). تعاملات عاطفی زوجین و نقش آن در طلاق عاطفی و

- Meerow, S., & Newell, J. P. (2019). Urban resilience for whom, what, when, where, and why?. *Urban Geography*, 40(3), 309-329.
- Montesi, J. L., Conner, B. T., Gordon, E. A., Fauber, R. L., Kim, K. H., & Heimberg, R. G. (2013). On the relationship among social anxiety, intimacy, sexual communication, and sexual satisfaction in young couples. *Archives of sexual behavior*, 42(1), 81-91.
- Olson, D., DeFrain, J., & Skogrand, L. (2010). *Marriages and families: Intimacy, diversity, and strengths*. McGraw Hill.
- Thornton, L. C., Frick, P. J., Ray, J. V., Wall Myers, T. D., Steinberg, L., & Cauffman, E. (2019). Risky sex, drugs, sensation seeking, and callous unemotional traits in justice-involved male adolescents. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 48(1), 68-79.
- Wilding, L., & Claridge, S. (2016). The Emotional Literacy Support Assistant (ELSA) programme: parental perceptions of its impact in school and at home. *Educational Psychology in Practice*, 32(2), 180-196.
- Zuckerman, M., & Kuhlman, D. M. (2000). Personality and risk-taking: common bisocial factors. *Journal of personality*, 68(6), 999-1029.
- Zuckerman, M., Kolin, E. A., Price, L., & Zoob, I. (1964). Development of a sensation-seeking scale. *Journal of consulting psychology*, 28(6), 477.
- relational approach. *Journal of Rural Studies*, 44 (1), 111-122.
- Dumuid, D., Olds, T., Lewis, L. K., Martin-Fernández, J. A., Katzmarzyk, P. T., Barreira, T., ... & Kuriyan, R. (2017). Health-related quality of life and lifestyle behavior clusters in school-aged children from 12 countries. *The Journal of pediatrics*, 183 (1), 178-183.
- Esere, M. O., & Oladun, C. (2014). Obstacles and suggested solutions to effective communication in marriage as expressed by married adults in Kogi state, Nigeria. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 114 (1), 584-592
- Grover, S., & Helliwell, J. F. (2019). How's life at home? New evidence on marriage and the set point for happiness. *Journal of Happiness Studies*, 20(2), 373-390.
- Heydari, M., Razban, F., Mirzaei, T., & Heidari, S. (2017). The Effect of Problem Oriented Coping Strategies Training on Quality of Life of Family Caregivers of Elderly with Alzheimer. *Asian Journal of Nursing Education and Research*, 7(2), 168-172.
- Huber, C. H., Navarro, R. L., Womble, M. W., & Mumme, F. L. (2010). Family resilience and midlife marital satisfaction. *The Family Journal*, 18(2), 136-145.
- Kanter, J. B., Proulx, C. M., & Monk, J. K. (2019). Accounting for Divorce in Marital Research: An Application to Growth Mixture Modeling. *Journal of Marriage and Family*, 81(2), 520-530.
- LaCourse, A., Listwan, S. J., Reid, S., & Hartman, J. L. (2019). Recidivism and Reentry: The Role of Individual Coping Styles. *Crime & Delinquency*, 65(1), 46-68.
- Lyusin, D. B. (2016). Emotional intelligence as a mixed construct. *Journal of Russian and East European Psychology*, 44 (6), 54-68
- Madewell, A. N., & Ponce-Garcia, E. (2016). Assessing resilience in emerging adulthood: The resilience scale (RS), Connor-Davidson resilience scale (CD-RISC), and scale of protective factors (SPF). *Personality and Individual Differences*, 97 (1), 249-255.
- Manap, J., Kassim, A. C., Hoesni, S., Nen, S., Idris, F., & Ghazali, F. (2016). The purpose of marriage among single Malaysian youth. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 82 (1), 112-116.
- Masten, A. S. (2016). Researching resilience of youth in the context of HIV: harbinger of change. *Vulnerable Children and Youth Studies*, 11(4), 363-365.
- Masten, A. S., Best, K. M., & Garmezy, N. (1990). Resilience and development: Contributions from the study of children who overcome adversity. *Development and psychopathology*, 2(4), 425-444.
- Mattson, R. E., Rogge, R. D., Johnson, M. D., Davidson, E. K., & Fincham, F. D. (2015). The positive and negative semantic dimensions of relationship satisfaction. *Personal Relationships*, 20(2), 328-355.